

هفت گنجینه شرکت‌های تعاونی

حسن حسینی

به تصریح قانون شرکتهای تعاونی « تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از هفت نفر کمتر باشد ». بنابراین نصاب اعضا در تشکیل یک شرکت تعاونی هفت نفر است و هیچ شرکت تعاونی نمی‌تواند بدون داشتن حداقل هفت عضو تاسیس شود.

برای تشکیل شرکتهای تجارتی نیز طبق قانون تجارت حد نصاب وجود دارد آن برای تشکیل شرکت تضامنی، شرکت نسبی و شرکت با مسئولیت محدود حداقل دو نفر است.^۱

ازوم وجود حداقل دو نفر برای تشکیل شرکتهای تجارتی مذکور را باید ازوم وجود حداقل دو نفر برای تحقق امر مشارکت دانست ولی در لزوم وجود حداقل هفت نفر برای تشکیل شرکت تعاونی باید به دنبال علت دیگری بود: می‌توان گفت که چون شرکت تعاونی بر کارگروهی و فعالیت جمعی از طریق همیاری مبتنی است لذا قانون برای تشکیل آن حد نصاب بالاتری از شرکتهای تجارتی تعیین کرده است و تعداد هفت نفر برای این مقرر شده است که چون برای اداره امور شرکت تعاونی طبق ماده ۳ قانون شرکتهای تعاونی وجود هیات مدیره‌ای مرکب از سه نفر عضو اصلی (حداقل) و دو نفر عضو علی‌البدل و بنابه ماده ۴ قانون مزبور وجود دست کم یک نفر بازرس ضروری است (جمعاً ۶ نفر) قانون با تعیین نصاب هفت نفر در

این مورد خواسته است حداقل ممکن یعنی یک نفر نیز به عنوان عضو ساده شرکت تعاونی باقی بماند. اصلاحیه مصوب ۵/۱۲/۵۰ تعداد اعضای هیئت مدیره را حداقل ۷ نفر (سه نفر عضو اصلی و یک نفر عضو علی البدل) مشخص می کند. لذا استدلال فوق (وجود حداقل هفت نفر) صحیح به نظر می رسد.

و بی تمکین است اگر در این مورد گفته شود که بنابراین بوده که علاوه بر اعضای که به سمت اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره و بازرس انتخاب می شوند نه حداقل ممکن یعنی یک نفر، بلکه تعدادی مثلا دو نفر به عنوان عضو ساده شرکت باقی بماند این استدلال نه تنها حد نصاب فعلی یعنی هفت نفر بلکه هر حد نصاب دیگری را نیز که معین می شد می توانست توجیه کند پس نمی تواند تعلیلی برای مورد مانحن فیه باشد.

به این ترتیب نمی توان گفت که در قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۵۰ در موقع تصویب ارتباطی منطقی بین تعیین لزوم وجود حداقل هفت نفر عضو برای تشکیل شرکت تعاونی و تعداد حداقل اعضای هیات مدیره و بازرس آن برقرار بوده است.^۳
متذکر می گردد که در قوانین و مقررات برخی از کشورها نیز برای تشکیل شرکت تعاونی الزامی بودن وجود حداقل اعضا، پیش بینی شده است. تعداد آن در برخی از کشورها بدین شرح است^۴:

بلژیک : ۷ نفر

انگلیس : ۷ نفر^۵

آلمان : ۷ نفر

سوئیس : ۷ نفر

سوئد : ۵ نفر

پاکستان : ۱۰ نفر

اندونزی : ۲۵ نفر

فرانسه : ۷ نفر، مگر در شرکتهای تعاونی مصرف کشاورزی که تعداد اعضا در آنها ۷ نفر نیز می تواند باشد - آیا می توان گفت که واضعین وقت قوانین تعاونی ایران در تعیین تعداد حداقل اعضای لازم برای تشکیل شرکتهای تعاونی، نصابهای هفت نفره مزبور را ملحوظ داشته اند ؟

علی کل حال، هفتان در مواردی خاص مرجعیت پیدا می کنند و برای شرکت تعاونی مسند می شوند. موارد مزبور عبارتند از :
- تصویب اساسنامه شرکت تعاونی

- رسمیت جلسه مجمع عمومی موسس
 - رسمیت جلسه مجمع عمومی عادی در دعوت آخر
 - رسمیت جلسه مجمع عمومی فوق العاده در دعوت آخر
- توضیح این که :

— طبق ماده ۹، قانون شرکتهای تعاونی در مجمع عمومی موسس اساسنامه شرکت برای اکثریت افراد حاضر در جلسه به تصویب می رسد و طبق تبصره ماده مذکور « در جلسات مجمع عمومی موسس تعداد اعضای موافق با اساسنامه نباید کمتر از هفت نفر باشد. »

بیان صریحی در قانون شرکتهای تعاونی راجع به حد نصاب رسمیت جلسه مجمع عمومی موسس مشاهده نمی شود ولی چون ماده ۹، قانون مزبور و تبصره آن به شرحی که فوقاً اشاره شد، تصویب اساسنامه شرکت در مجمع عمومی موسس را مشروط بر این می کند که اولاً اکثریت افراد حاضر در جلسه مجمع عمومی موسس به اساسنامه رای موافق بدهند ثانیاً تعداد موافقان مزبور لا اقل هفت نفر باشد باید گفت که رسمیت جلسه مجمع عمومی موسس شرکت تعاونی وقتی حاصل می شود که حداقل هفت نفر از داوطلبان عضویت، در آن حاضر باشند زیرا در غیر این صورت به علت غیرممکن بودن حصول شرط دوم تصویب اساسنامه مقدور نخواهد شد.

مجمع عمومی عادی شرکتهای تعاونی طبق قانون^۶ دونویست دعوت به تشکیل می شود. دعوت اول مجمع وقتی رسمیت می یابد که لا اقل نصف بعلاوه یک اعضای یاوکلای آنها در جلسه حاضر شوند و در صورت حاصل نشدن حد نصاب مذکور یکبار دیگر نیز از آن دعوت بعمل می آید. جلسه دوم که جلسه آخر است با حضور هر تعداد از اعضا رسمیت پیدا می کند مشروط بر این که عده حاضران در جلسه (بدون در نظر گرفتن وکالت موضوع ماده ۸ قانون شرکتهای تعاونی^۷) از هفت نفر کمتر نباشد.

به تجویز قانون^۸ مجمع عمومی فوق العاده برای تشکیل سه نوبت دعوت می گردد. در دعوت اول جلسه مجمع با حضور حداقل سه چهارم اعضای شرکت و یاوکلای آنان رسمیت پیدا می کند. هرگاه در دعوت مزبور این حد نصاب حاصل نشود مجمع برای بار دوم دعوت می شود. جلسه دوم با حضور حداقل نصف بعلاوه یک اعضای یاوکلای آنان رسمیت حاصل می کند و در صورت عدم حصول این حد نصاب مجمع برای بار سوم دعوت می گردد جلسه سوم مجمع عمومی فوق العاده با حضور اعضای حاضر که نباید از هفت نفر کمتر باشد رسمیت می یابد.^۹

در ازوم بالغ شدن اکثریت موافق با تصویب اساسنامه بر حداقل هفت نفر می توان گفت که این امر با نصاب مقرر برای تشکیل شرکت تعاونی یعنی حداقل هفت عضو مرتبط بوده، در واقع برای تأمین آن است زیرا به تجویز قانون « آن عده از داوطلبان تشکیل شرکت تعاونی

که با مصوبات مجمع موسس موافق نباشند اعم از این که در مجمع عمومی موسس حضور یافته یا نیافته باشند در صورتی که یک هفته پس از تشکیل مجمع مخالفت خود را کتباً اعلام نمایند حق استرداد تقاضای عضویت خود و مبالغی را که برای خرید سهم یا سهام پرداخته اند دارند.^{۱۰} بنابراین قانون با مقرر داشتن لزوم مزبور ضمناً خواسته است با داشتن حداقل هفت نفر موافق، هسته هفت نفری را که لازمه وجود شرکت تعاونی است از قبل تدبیر کند.

در مجمع عمومی موسس که شرکت تعاونی طبق تصمیم آن تشکیل می شود و در آن علاوه بر تصمیم گیری درباره اساسنامه که شرایط دوگانه تصویب آن بیان شد نسبت به تعیین اولین هیات مدیره و اولین بازرس یا بازرسان شرکت اقدام می شود^{۱۱} و در مجمع عمومی عادی که تعیین خطبشی و برنامه های شرکت و تصویب بودجه و اتخاذ تصمیم درباره تراژنامه و حساب سود و زیان و انتخاب هیات مدیره و بازرس یا بازرسان و تغییر هر یک از آنها و بررسی و تصمیم گیری سایر امور جاری دیگر شرکت بر عهده است^{۱۲} و نیز در مجمع عمومی فوق العاده که صلاحیت اتخاذ تصمیم در باره امور سهم سه گانه (تغییر اساسنامه، ادغام با شرکت دیگر و انحلال شرکت) را دارد^{۱۳} همه جا شرکت های تعاونی آخر الامر دست به دامن هفتان خود می زنند و چاره کار را سراجعه به آنها می بیند.

می توان سوالی را مطرح کرد و آن این که هرگاه پس از تشکیل شرکت تعاونی تعداد اعضای آن به عللی چون استعفا یا فوت عضو به کمتر از هفت نفر تقلیل یابد آیا شرکت اصولاً می تواند به فعالیت خود ادامه دهد یا باید منحل شود؟ آنچه در این مورد به نظر می رسد این است که چون قانون به شرحی که گفته شد به طور مطلق تصریح می کند که «تعداد اعضای شرکت تعاونی نباید از هفت نفر کمتر باشد» پس این نصاب نه تنها در اثنا تشکیل شرکت تعاونی باید مراعات شود بلکه لازم است که پس از تشکیل و در طول مدت فعالیت شرکت نیز پیوسته حفظ گردد زیرا چنین به نظر می رسد که تعیین حد نصاب مزبور برای تشکیل شرکت تعاونی بر این مبناست که قانونگذار تحقق منظور شرکت تعاونی را که عبارت است از رفع نیازهای مشترک اقتصادی و اجتماعی اعضاء بایک کارگروهی مرکب از هفت نفر قابل انجام تشخیص داده است، بر این اساس می توان گفت که وجود این تعداد در جریان فعالیت شرکت بیشتر مورد لزوم خواهد بود تا زمان تشکیل آن. پس می توان چنین نتیجه گرفت که شرکت تعاونی پیوسته باید حداقل هفت نفر عضو داشته باشد و در هر موقع تعداد اعضای آن به کمتر از آن تقلیل پیدا کند شرکت دیگر نمی تواند به فعالیت خود ادامه دهد و لاجرم باید منحل گردد.^{۱۴}

الحال بنابه مراتب آیا نمی توان از میان اعضای شرکت تعاونی از هفت نفر به عنوان «هفت گنجینه»^{۱۵} شرکت تعاونی یاد کرد و از رابطه ناگسستی و ملازمه ای که بین شرکت تعاونی و آن هفت وجود دارد سخن به میان آورد؟

در خاتمه به عنوان سطلبی برای ختام به موضوعی اشاره می شود و آن این که قانون با تجویز این که رسمیت جلسه آخر مجمع عمومی عادی و مجمع عمومی فوق العاده با حضور حداقل هفت نفر از اعضاء می تواند حاصل شود در مواردی خاص در شرکت های تعاونی که تعداد اعضاء آنها بین ۷ تا ۴ نفر است حصول رسمیت جلسه دوم (جلسه آخر) مجمع عمومی عادی را نسبت به جلسه اول آن و در شرکت های تعاونی که تعداد اعضاء آنها بین ۸ تا ۳۲ نفر است حصول رسمیت جلسه سوم (جلسه آخر) مجمع عمومی فوق العاده را نسبت به جلسات قبل آن، به حضور شخصی بیشتری از اعضاء نیازمند می سازد. برای نمایش موضوع به ارائه دو جدول زیر که برای هر کدام از مجامع مزبور جداگانه تنظیم شده است مبادرت می شود :

جدول یک - مربوط به مجمع عمومی عادی در شرکت هایی که تعداد اعضاء آنها بین ۷ تا ۴ نفر است:

تعداد اعضا	جلسه اول	حضور شخصی حداقل در جلسه
شرکت تعاونی	جلسه دوم (جلسه آخر)	
	رسمیت : حضور نصف بعلاوه یک اعضا	رسمیت : حضور شخصی حداقل هفت عضو
	یاوکلاهی آنها	
۴۷	۶ عضو که هر کدام ۳ رای باوکالت نیز دارد	۷ عضو
۳۹	۵ عضو که هر کدام ۳ رای باوکالت نیز دارد	۷ عضو
۳۱	۴ عضو که هر کدام ۳ رای باوکالت نیز دارد	۷ عضو
۲۳	۳ عضو که هر کدام ۳ رای باوکالت نیز دارد	۷ عضو
۱۵	۲ عضو که هر کدام ۳ رای باوکالت نیز دارد	۷ عضو
۷	یک عضو که سه رای باوکالت نیز دارد	۷ عضو

یادداشتها

- ۱- تبصره ماده ۲ قانون شرکتهای تعاونی مصوب ۱۶/۳/۱۳۵۰.
- ۲- رجوع شود به مواد ۹۴، ۱۱۶ و ۱۸۳ قانون تجارت.
- ۳- یادآوری می‌شود که قانون تعاونی سابق (لایحه قانونی شرکتهای تعاونی مصوب ۱۳۳۴) نیز در تبصره ماده یک مقرر می‌داشت که «تعداد اعضاء (شرکاء) شرکتهای تعاونی از هفت نفر نباید کمتر باشد» بدون این که برای اعضای هیات مدیره یا بازرس شرکت تعاونی تعداد تعیین کند.
- ۴- ساخت: « خلاصه قوانین تعاونی چند کشور »، سازمان مرکزی تعاون کشور، اداره طرحها و بررسیها، ۱۳۴۶.
- ۵- مربوط به اولین قانون تعاونی جهان که به نام قانون شرکتهای صنعتی در سال ۱۸۵۲ در انگلستان تصویب شده است در این قانون همانطور که اشاره شد تعداد لازم برای تشکیل شرکت تعاونی هفت نفر پیش بینی شده است. توضیح این که مقررات قانون مزبور فقط راجع به تعاون نیست و فعالیتهای غیر تعاونی را نیز شامل می‌شود.
- ۶- رجوع شود به قسمت اول ماده ۳۴ قانون شرکتهای تعاونی.
- ۷- ماده ۸ قانون شرکتهای تعاونی چنین است: « هر یک از اعضای شرکت تعاونی می‌تواند استفاده از حق خود را برای حضور و دادن رای در مجمع عمومی به یک عضو دیگر با وکالت واگذار کند لیکن هیچ عضوی نمی‌تواند علاوه بر رای خود بیش از سه رای با وکالت داشته باشد».
- ۸- رجوع شود به ماده ۳۷ قانون شرکتهای تعاونی.
- ۹- ممکن است جلسه سوم مجمع عمومی فوق العاده نیز به علت عدم حصول حد نصاب مقرر تشکیل نشود و همچنین به همین علت ممکن است جلسه دوم مجمع عمومی عادی تشکیل نگردد. برای مزید اطلاع اضافه می‌شود که در این صورت طبق قانون هر ذیحقی می‌تواند برای رسیدگی به موضوع یا انحلال شرکت به سازمان مرکزی تعاون کشور و یا وزارت کار و امور اجتماعی در مورد شرکتهای تعاونی کارگری مراجعه نماید سازمان یا وزارت مزبور نسبت به مورد، پس از رسیدگیهای لازم هرگاه تشکیل مجدد مجمع عمومی را ضرور بداند به طریقی مقتضی اقدام

می‌کند و در صورتی که انحلال شرکت را لازم تشخیص دهد اقدامات لازم در این مورد به عمل می‌آورد (رجوع شود به قسمت اخیر مواد ۳۴ و ۳۷ قانون شرکتهای تعاونی).

۱۰- ماده ۲۰ قانون شرکتهای تعاونی.

۱۱- رجوع شود به ماده ۱۹ قانون شرکتهای تعاونی.

۱۲- رجوع شود به ماده ۳۳ قانون شرکتهای تعاونی.

۱۳- رجوع شود به ماده ۳۶ قانون شرکتهای تعاونی.

۱۴- قابل ذکر است که قانون شرکتهای تعاونی که مصوب ۱۳۵۰ است در ماده

۱۲۰ در ضمن بیان موارد انحلال شرکتهای تعاونی کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب قانونی

یعنی هفت نفر را نیز جزء موارد انحلال مقرر داشته بود ولی این مورد در اصلاحیه مصوب

۱۳۵۴/۳/۴ از آن شده است.

۱۵- هفت گنجینه « عبارت است از هفت فلز که باهم می‌گذارند که آن را هفت جوش

نیز می‌نامند و آن فلزها عبارتند از: آهن، روی، سرب، طلا، قلع، مس، و نقره » (رجوع شود

به فرهنگ معین، جلد ۶).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی